

حسین اطمینان

وارد بلاوار مالک اشتر که می‌شوی گرد سفید رنگی از یکی از خیابان‌های فرعی این بلاوار به هوا رفته و این گرد سفیدرنگ آدرس محل برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهرانشال‌مان می‌دهد. سمپوزیوم مجسمه‌سازی که تاکنون مخصوص مراکز استان‌ها و یکی دو شهر بزرگ کشور بوده حالا به همت روابطعمومی شرکت صنعتی معنی گل‌گهر پایش به سیرجان باز شده تا ما هم شاهد یکی از رویدادهای ارزشمندفرهنگی هنری باشیم.خیابان اختصاصی کنار منازل مسکونی گل‌گهر را مسدود کرده‌اند و جرتقبلی همان ابتدا خودنمایی می‌کند که وظیفه حاجایی سنگ‌ها را در طی ۲۵ روز برگزاری این سمپوزیوم دارد. ابتدای ورود اسامی شورای سیاست‌گذاری و انتخاب آثار، هنرمندان شرکت کننده و همچنین دستیاران آنها روی دیوار نصب شده است. نام و عکس ایوژر حلولی‌پور، سید مجتبی موسوی، سعید شهبازیور، حمیدشاس، فیروزه اشکبوس،ملک دادیار،گروسیان و احمدزیدآبادی برای شورای سیاست‌گذاری و انتخاب آثار درج شده است. ۱۷ هنرمندی هم که دراین سمپوزیوم فراراست مجسمه بسازند این‌گونه معرفی شده‌اند:بهنام آخرین،سارا اصغرزاده،اسماعیل تقوی، یاسریحسینی،بهمن چنگی،سمیداحقن،محمدمسلم، سعید، مرتضی شعبانی، حمیدرضا صابرق،زاده، هدایت صحرایی،احسان گومرسی،مصطفی محسنی مرتضی محسنی، اسفندیار مرادیپور، حسین ملایی‌فومنی، محمدمهدی وزیریپورآرانی و کامیابرسول.

کار با سنگ فرزندریل

در این خیابان گرد سفید رنگ رگی همه چیزنشسته و هنرمندان و دستیاران نیز کاملاً سفید هستند. تشنه و سنگ که بری ما ایرانی‌ها واژه‌های آشنایی هستند و حالا دراین سمپوزیوم عینیت به خود گرفته و آشکارا در دید قرار دارند. البته به جز تشنه هنرمندان با سنگ فرزند ریل و دیگر ابزارآلات جدید هم برای شکل دادن به سنگ‌های بزرگ به جلن آنها افتادند. خود سه ماه پیش فراخوان نخستین سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهر منتشر شد و ۱۸۰ اثر به نوبه‌های این جشنواره ارسال شد. از این بین ۱۸۰ اثر ۱۷ هنرمند با عنوان آثار نهایی در سمپوزیوم پذیرفته شدند و ۱۷ هنرمند به همراه دستیارانشان از سوم شهریورماه کار خود را آغاز کردند و فرار است طی ۲۵ روز اول سنگ‌های عظیم اجته مرموبیت،مجسمه‌های زیباوارزشمندی بیرون بیاید.

نام اثر: خورشید

در این خیابان سفیدپوش هنرمندان از هشتتصبح تا هفت عصر زیر یک سایه‌بان برتزی آرشان را خلق می‌کنند. نام و بیوگرافی هنرمندان به همراه تصویری از

حسین اطمینان

سمپوزیوم در اصل به معنی ضیافت، مهمانی و همچنین جمعیتی که با هدف مباحثات دوستانه فلسفی و علمی دور هم جمع می‌شوند، است. اما با گذشت زمان معنی این واژه کمی تغییر کرده و امروزه به گروه‌هایی تخصصی در راستای خلق اثر، سخنرانی، بحث و گفتگوهای گروهی درباره موضوع‌های ویژه و ازپیش تعیین شده،بیرون‌گن جشنواره‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، هنری و… گفته می‌شود. عنصر اصلی در سمپوزیوم، موضوع واحد آن است. در این ماه واژه سمپوزیوم را بیشتر با مجسمه شنیدیم و این ترکیب برایمان آشناست. حالاسمپوزیوم مجسمه‌سازی برای اولین بار در سیرجان به همت شرکت معنی و صنعتی گل‌گهر در حال برگزاری است. اما سمپوزیوم مجسمه چه خصوصیتی دارد؟ آثار چگونه انتخاب شدند؟ سمپوزیوم مجسمه چه نفعی برای شهر دارد؟ و سوال‌های دیگری را با سید مجتبی موسوی مدیر هنری برگزاری این سمپوزیوم‌ترمیل گذاشیم. موسوی فارغ‌التحصیل کارشناسی مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران و همچنین مدیر هنری مجسمه‌ساز و مدرس دانشگاه است. او برگزارچی ۹ دوره سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی و شش دوره بین‌المل مجسمه‌سازی شهری را در کازمانه خود دارد.

طبق فراخوان این سمپوزیوم طرح یک سری آثار به‌بیرخانه ارسال شد و اولین از بین آثار تعدادی را انتخاب کردند. معیارهای انتخاب چه‌بوده؟

در همه رویدادهای هنری معیارهایی برای انتخاب آثار وجود دارد که می‌توانیم این معیارها را به دو بخش تقسیم کنیم.مورد اول مربوط به مباحث زیبایی‌شناسی، اصول هنری و ولایت و دوم تصمیمات و سیاست‌های مختص آن رویداد است. در سمپوزیوم مجسمه‌سازی طرح‌هایی که ازسوی هیات انتخاب آثار ازپایلی می‌شود باید از حیث اصول و ویژگی‌های مبتنی بر معیارهای زیبایی‌شناسی هنری تأیید شوند که کدام طرح‌ها واجد ارزش بیشتری هستند. از نظر دیگر وقتی رویداد هنری یک‌سمپوزیوم مجسمه‌سازی باشد شرایط خاص خودش را دارد. باید دید هنرمندی که آن طرح را ارائه کرده آیا سابقه‌وتجربه‌و توانمندی اجرای طرح‌پیشنهادی درمدت زمان تعیین شده برای سمپوزیوم دارد؟ و این توانمندی در چه حدی هست و با چه کیفیتی می‌تواند آن را اجرا کند. مثلاً اگر سمپوزیوم سنگ باشد آیا هنرمند می‌تواند درمدت ۲۵ روز طرح را به‌پایان برساند؟ مجموعه و پیرایند این موارد منجر به انتخاب یک اثر در این رویداد می‌شود.

در فراخوان تأکید کردیم که هنرمندان به فرهنگ بومی استان گویان و خصوصاً شهرستان سیرجان توجه داشته باشند. به جز موضوعات فرهنگی، سیرجان دارای ویژگی خاص خودش است، مثل معماری شهری که در آثار انتخابی نمود دارد. مادر کارهایی ارائه شده‌شاهد بودیم که تعدادی از هنرمندان توجه بیشتری کرده بودند و در بعضی

طرح ارائه شده کنارشال روی دیوار نصب شده است. «بهنام آخرین» نام اثر: خورشید. طبق نوشته روی دیوار او متولد ۱۳۴۴ در شهرستان اردبیل است و تاکنون در چهار سمپوزیوم بین‌المللی داخلی و شش سمپوزیوم بین‌المللی خارجی شرکت کرده است. وقتی از این هنرمند اردبیلی سوال کردم که کار کردن از صبح تا شب کار دشواری نیست، عینک و ماسکش را برداشت و گفت: مهم‌مدن نوازی دارید و سیرجان شهر زیبایی موهوبی است. او ادامه داد این کار برای ما عادی شده

و موقع ناهر ساعت یک تا سه استراحت هم می‌کنیم. البته بدندانل ازس کار کردیم عادت کرده‌است. آخرین درمورد چگونگی آشنایی با این سمپوزیوم هم می‌گوید: همیشه پیگیر هستم، کارم این است. هر فراخوانی در رابطه با مجسمه‌سازی در هر جای دنیا منتشر شود کسی که طالب باشد آن را ببیدامی‌کند. بیخ سمپوزیوم مجسمه در اینستاگرام فراخوان را برای ما ارسال کرد. یکی از کارهایی که از مجموعه خورشید بود را فرستادم با فرهنگ سیرجان گفت: کارهایی که این چند وقت

گزارشی از اولین سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهر

خیابان سفید



عکس: امین ارجمند | پاساگرد

ساختم مرتبط با معماری ایرانی - اسلامی بوده و همه جای ایران این معماری وجود دارد. اتفاقاً دو کار هم فرستاده بودم که از معماری سیرجان استفاده شده بود اما آن دو کار انتخاب نشد و این کار انتخاب شد. اولین اثر از این مجموعه را در ازمیر ترکیه ساختم. دومی را در پرند تهران، سومی را در ارمنستان، چهارمی را در ایلوینوی و دو تا در مشهد همراه و یکی هم در کیش ساختم و الان هم یکی را در سیرجان می‌سازم.

وی از اسکلن و پذیرایی و تجهیزات هم ابرار ضایبت داشت و گفت: همه چیز خوب است. همچنین کیفیت سمپوزیوم تا الان در حد سمپوزیوم‌های خارجی و تهران بوده است؛ وقتی مدیریت و عوامل سمپوزیوم خوب باشند و سمپوزیوم را بشناسند کار خوب‌تر می‌آید. مثلاً در جایی من کاری کردم جز قبیل را نمی‌توانستند هماهنگ کنند که فردا باید اما اینجا جز قبیل همیشه حضور دارد و چند دقیقه قبل ما می‌گوییم جز قبیل می‌آید.

نام تم‌های من بر گرفته از طبیعت است

وی ادامه داد من خیلی از سیرجان شناختی نداشتم فقط درمورد معدن آهن می‌دانستم و اینکه

در سیرجان فضای سبز شهری اهمیت زیادی دارد. تم کارهای من برگرفته از طبیعت است و مختص شهر و فرهنگ خاصی نیست. طبیعت دغدغه من است و در همه جا می‌تون این نوع کارها را اجرا کرد. وی به کسانی که علاقه به مجسمه‌سازی هستند گفت: به نظر من مجسمه‌سازی کار سنگینی است و باید بصورت آکادمیک کار کنی ولی اگر سنشال پایین است باید از اساتید خوب استفاده کنند. ابتدا باید از طراحی شروع کنند، طراحی خیلی مهم است و دیدش‌ن درست می‌شود بعد از آن بعد باید وارد مقوله ساخت حجم شوند.

می‌خواهیم مجسمه‌سازی را گسترش دهیم

ایوژر حلولی رییس برگزاری این سمپوزیوم هم به پاساگرد می‌گوید: این سمپوزیوم در راستای تحقق اهداف فرهنگی- هنری و لایفای مسئولیت‌های فرهنگی- اجتماعی شرکت گل‌گهر و طبق برنامه‌ریزی‌های قبلی و اهدافی که برای سال ۱۴۰۰ تنظیم شده بود با تأیید مدیریتعامل گل‌گهر اجرایی شد.

هدف این سمپوزیوم این است که پای هنرمندان بزرگ را به سیرجان باز کند و تجربه متفاوتی برای هنرمندان سیرجانی و مردم سیرجان باشد. به گفته‌ی حلولی یکی از اهداف مهمی که در این رویداد پیگیری می‌کنیم این است که هنر مجسمه‌سازی را در سیرجان گسترش بدهیم تا هنرمندان سیرجانی در کنار این رویداد هم تجربه کافی را به دست بیاورند تا در سالهای آینده آنها هم در سطح کشور معرفی شوند و در سمپوزیوم‌های مختلف شرکت کنند.

وی اظهار امیدواری کرد این رویداد در سال‌های آینده به همت و میزبانی شرکت گل‌گهر و محوریت شهر سیرجان ادامه داشته باشد. حلولی درمورد اینکه هنری صد چندان شده است. چندین خانواده هم برای تماشای این رویداد جذب حضور دارند.

شش سیرجانی به عنوان دستیار و همکار حضور دارند

رییس برگزاری این سمپوزیوم در مورد اینکه در این سمپوزیوم هنرمندان سیرجانی حضور ندارند، گفت: طبق فراخوانی که دادیم ۱۸۰ اثر به دبیرخانه جشنواره ارسال شد و شورای سیاست‌گذاری و انتخاب تمامی آثار را بدون اینکه از نام هنرمند اطلاع داشته باشند لوری کردند و این ۱۷ اثر برگزیده شدند. چند کرماتی به مرحله نهایی رسیدند و ما برای اینکه سیرجانی‌ها هم درگیر شوند فراخوانی دادیم و هر کدام از هنرمندان حوزه مجسمه‌سازی و هنرهای تجسمی که مایل به همکاری بودند را به عنوان دستیار و عوامل اجرایی انتخاب کردیم. هم اکنون شش نفر سیرجانی به عنوان دستیار و همکار در این سمپوزیوم حضور دارند.

صدای سنگ فرز و تشنه در فضا پیچیده و گرد سفید رنگ روی لباس‌های ما هم نشسته، همه سخت مشغول کار هستند و جذابیت خلق آثار با این دوره‌ی هنری صد چندان شده است. چندین خانواده هم برای تماشای این رویداد جذب حضور دارند.

یکی دیگر از هنرمندان شرکت کننده در این سمپوزیوم «سمیه دهقان» است. در معرفی او اینگونه آمده: نام اثر: روتلا. متولد ۱۳۶۰ تهران، لیسانس رشته نقاشی، عضو انجمن مجسمه‌سازان ایران و شرکت‌کننده در چهار سمپوزیوم داخلی و دو سمپوزیوم خارجی. این هنرمند به پاساگرد می‌گوید: برای آسپ‌ندیدن در این رشته باید از تجهیزات مثل گوشه، ماسک، عینک و … استفاده کنیم. وی در مورد ابزارهایی که استفاده می‌کنند گفت: هر کاری ابزارهای مخصوص خودش را دارد وقتی سنگ با این ابعاد (بزرگ) باشد وزمان هم محدود باشد نیاز است که از ابزارهای بزرگ جز قبیل همیشه حضور دارد و چند دقیقه قبل ما می‌گوییم جز قبیل می‌آید.

اگر محصول نهایی همان اثر ارائه شده در فراخوان نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟

هنرمند موظف است کار را طبق ماکت و طرحی که پیششاده داده و صرف شده اجرا کند. ما من مواردی هم انظر کیفیت اجرا و هم از نظر فرآلاری به طرح از هنرمند شرکت‌هایی استفاده کنند و ایراد سنگ را برطرف کنند. در کل خیلی باید بدشاس باشی که سنگ به کلی قابل استفاده باشی و دو معیار اولی اتفاق نمی‌افتد.

کیفیت تجهیزات، پذیرایی و … در این سمپوزیوم در چه حدی است؟

من معمولاً در سمپوزیوم‌هایی که مدیریت کردم دغدغه دارم که بالاترین سطح استاندارد را رعایت کنم. در دنیا سمپوزیوم در سطوح متفاوتی از نظر تعداد شرکت‌کننده، نوع مترايل، اسکل پذیرایی، مبلغ هدیه و برگزاری می‌شود و ما سمپوزیوم‌های جداگالی و جداکنری داریم. من تجربه برگزاری چند سمپوزیوم بین‌المللی را در ایران دارم و با توجه به محدتهایی که با آقای حلولی رئیس سمپوزیوم داشتیم همان ابتدای امر مطرح شد که بالاترین سطح استاندارد را در نظر بگیریم و خوشبختانه همین‌طور بود. ۱۷ هنرمند از این سمپوزیوم کاری‌کنری داشت که این تعداد کمی نیست، این تعداد قابل قبول و نسبتاً زیاد است. انظر ابعاد و کیفیت کار سمپوزیوم سیرجان در سطح یک سمپوزیوم حرفه‌ای بزرگ است. مبلغ ورودی سمپوزیوم هم نسبتاً مناسب است.

کورفودین برای ورودی هر هنرمند مبلغ ۴۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. این میزان برای رستوران چقدر است؟

هشت میلیون تومان. اما حضور دستیاران صرفاً برای کمک نیست و برای کسب تجربه نیز هست.

تجهیزات و وسایلی که برای هنرمندان در نظر گرفته شده مناسب است؟

تمام تجهیزات حرفه‌ای که برای سمپوزیوم سنگ و مجسمه‌سازی با سنگ مورد نیاز است توسط گل‌گهر در اختیار هنرمندان گذاشته شده. پذیرایی و اسکان هم در بهترین کیفیت است. سمپوزیوم سیرجان نه اینکه چیزی از سمپوزیوم‌های بین‌المللی که در تهران و دیگر شهرهای دنیا برگزار شده کم ندارد بلکه سطح بالاتری هم دارد. حضور هنرمندان هم همین‌طور است. ترکیب هنرمندان و ضوابطی که برای انتخاب هنرمندان در نظر گرفته شده و حضور هنرمندان برجسته و صاحب‌سبک و خلاق خودش یکی از دلایلی است که این سمپوزیوم انظر کیفیت نیز یکی از بهترین سمپوزیوم‌ها باشد.

یادداشت

به بهانه‌ی برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهر سیرجان

فرزندِ سنگ!



ایوژر خواجویی‌نسب

متوجه رؤسای میراث فرهنگی سیرجان است! مشهورترین جنبانه گردشگری سیرجان نیز باغی است خشک که از خیال آب می‌خورد و ثمراتش بیاز جز سنگ نیست. دست می‌گویند: باغ درویش‌خان تنها باغ دنیااست که همه میوه‌های آن را یکجا در خود دارد؛ سیب و گلابی و خرما و انگور. این به‌تصور قدرت‌تخیل شماسته است؛ می‌توانید آن سبگ آویزان شده را اتاری شیرین ببینید یا نارگیلی نارس، کلم‌سنگ تا این اندازه موم است. کلم‌باغ تا این اندازه خیال انگیز؟ آری از افسیل سنگ‌ها که کهن‌ترین اسلاد حیات در سیرجان هستند تا سنگ‌های معدنی، که در زمانه‌ی قلبی-حکایتی تازه از توانمندی و شکوفایی توبن برای زمان حال و آینده این شهر رقم زده‌اند. جملگی بر این ادعاصحه می‌گذارد که سیرجان سرزمین سترگ سنگ است. این روزها که سیرجان میزبان رویداد بزرگ «سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهر» است ریل سنگ‌است. فرصتی فراهم شده تا دوباره در این نکته تأمل کنیم که سنگ چه نقش تاریک‌نگارذی در تاریخ، فرهنگ و اقتصاد این شهر داشته است. شاید این رویداد که می‌توان از آن به‌عنوان مهم‌ترین اتفاق فرهنگی سیرجان در سال‌های اخیر نام برد، آغازی باشد برای یک تحول بزرگ در حوزه گردشگری سیرجان. گردشگرانی که می‌توانند با سفر به سرزمین سنگ‌ها از قلعه‌ی سنگ، مندرسنگی، باغ‌سنگی، فیسل سنگ‌ها، سنگ‌های معدنی و حتی همین مجسمه‌های سنگی که درحال ساخت هستند بازدید کنند. البته به شرط آن که چشم‌ها را بشویم و غبار فراموشی از چوچری آثار تاریخی سیرجان بزداییم.

یادداشت

از صدا افتاده تار و کومونچه

اجرای جوانمردگ می‌گذرد و هنوز یوی بهبود از اوضاع ایران نمی‌شویم. به جز آن، چندین تئاتر در حال تمیز و در نوبت اجرا، با سکت‌های مکرر، ناآنجبی و فرمزپشت‌شان به خاک رسید، و آنچنان گرد مرگ بر تالار تئاتر باشیده شد، که سارقین ناچوانمرد فرصت طلب هم بی دغدغه آمدند و هست و نیست هنرمندان تئاتر را- از زیر و کتور‌ها گرفته تا دایمر و سیستم صوتی- به بغا بردند، و مثل آب از لای چنگال عدالت گریختند. در این یک سال و نیمه، تنها چند تئاتر سفارشی فرصت اجرا یافتند: جشنواره‌های صحنه‌ی برای سردار شهید قاسم سلیمانی با تماشای سربازای محدود، و چند اجرای خیابانی به سفارش دادگستری، و تمام.

تنها اتفاق قابل ذکر، پرفورمنس «آینه در آینه» بود که با اشاره به همین بیماری خطرناک، چندین بار در خیابان‌ها و معابر شهر اجرا شد با هدف آگاهی‌رسانی به مردم و تجدید آبی‌ی احتیاط‌های معمول، که کاری شباهت و با ارزش بود از جوانان تئاتری. باقی فعالیت‌ها محدود شد به برخی اجراهای نیم‌بند در فضای مجازی و نمایشنامه‌خوانی‌های چند نفره و گفتگوهای پراکنده. باقی هنرها نیز، خورشیدخانه، حال و روز بهتری نداشتند. سیما به کلی تعطیل شد، مگر برای چند اجرای جشنواره‌ای انگشت‌شمار. کنسرت‌های موسیقی سراسر برچیده شد، و هنرمندان تجسمی نتوانستند مردم‌شهر را به‌هیمنامی آثارشان بخوانند.

برای، عداوت کردیم که در زمانه‌ی عسرت و سختی، همچنان باقره امید را در نگاهمان زنده نگاه داریم. شاید اگر و اکسیاسیون عمومی با واکنس‌های معتبر و موثر هگماتی شود، و حکومت و مردم همدلی و همکار باشند، ما نیز بتوانیم مثل مردم باقی کشورهای جهان، نفس را راحتی بکشیم و تلاش کنیم تا شاید همیشه آن چیزهایی را که یک‌شبه در قمار کرونا باختیم؛ اندک یا باقیمانیم. آن‌وقت شاید کم‌کم مایلان باید که هنر هم چیز بدی نیست و موجب وقاف ملی و افزایش آگاهی‌ها و مشارکت و همفکری است و نشانه‌ی توسعه و توانایی است. شاید بتوانیم بفهمیم که ایران، ایران است اگر صدای فرهنگش بلند باشد و هنرش آینه آزادی و عدالت و اراده‌ی مردم، شاید بدایم همه‌ی این سال‌هایی که مبارزه با دشمنان خارجی و مشکلات داخلی جلن گذاشتیم و خون دادیم و عرق ریخته‌ایم، برای پلنداشت فرهنگ و تاریخ و خرد و آسانستی یکی از امکانات به ایران می‌شناسیمش. آن‌وقت شاید دیگر لازم نباشد بیضایی‌ها را از کشور بیرون بیندازیم تا نرؤند در ممالک بیگانه سفرهی دلتنگی‌شان را بپهن کنند و پرچم ایران را فرو بربندند و دغدغه‌ی مالی هم نبفود و یاران سلیبار، هم‌راهش نیست. بزم‌شاید بیضمیم که هر یک دست‌کسالن سینمایی خصوصی به نامسین شوند. شاید خانه‌ی درحال مرمت زنده را بخانه‌ی هنرهای تجسمی و صباغ‌دستی کنیم، و خانه‌ی مرمت شده اما متروک مانده‌ی سعیدی را خانه‌ی موسیقی، شاید آموزشگاه‌های هنری دوباره رونقی به خود ببینند و خون هنر در رگ‌های خشک‌بیدی این جامعه جاری شود و به‌جان‌مان طرؤت ببخشد. شاید…



سرزمین چیزی نیست جز سنگ؛ سنگ‌هایی که در طبیعت زمین و زمان، خاک شدند تا آدمی زندگی را بنا کند. کمتر شهری را می‌توان یافت که نه تنها اقتصاد بلکه تاریخ و حتی فرهنگ امروز آن نیز به سنگ، گه خورده باشد. سیرجان چنین شهری است؛ حتی میوه معروفترین باغش هم، سنگ است؛ به طوری که می‌توان دورن حیات در این سرزمین را با چهار فصل سنگی از هم مجزا کرد: فصل سنگ‌هاقله‌های سنگ‌باغ، سنگ‌های معدنی، سیرجان فرزند «سگ» است. شهری که شکوه تاریخی آن وی اظهار امیدواری کرد این رویداد در سال‌های آینده به همت و میزبانی شرکت گل‌گهر و محوریت شهر سیرجان ادامه داشته باشد. حلولی درمورد اینکه هنری صد چندان شده است. چندین خانواده هم برای تماشای این رویداد جذب حضور دارند.

شش سیرجانی به عنوان دستیار و همکار حضور دارند

رییس برگزاری این سمپوزیوم در مورد اینکه در این سمپوزیوم هنرمندان سیرجانی حضور ندارند، گفت: طبق فراخوانی که دادیم ۱۸۰ اثر به دبیرخانه جشنواره ارسال شد و شورای سیاست‌گذاری و انتخاب تمامی آثار را بدون اینکه از نام هنرمند اطلاع داشته باشند لوری کردند و این ۱۷ اثر برگزیده شدند. چند کرماتی به مرحله نهایی رسیدند و ما برای اینکه سیرجانی‌ها هم درگیر شوند فراخوانی دادیم و هر کدام از هنرمندان حوزه مجسمه‌سازی و هنرهای تجسمی که مایل به همکاری بودند را به عنوان دستیار و عوامل اجرایی انتخاب کردیم. هم اکنون شش نفر سیرجانی به عنوان دستیار و همکار در این سمپوزیوم حضور دارند.

امیرحسین طاهری

بهرام بیضایی، همچون بسیاری روشنفکران دیگر، پس از انقلاب اسلامی به سکوت و انزوا گشوده شد. برای سالین دراز نتوانست فیلم‌سازد، نمایشی‌نویس، محقق و به‌بعفا بردند، و مثل آب از لای چنگال عدالت گریختند. در این یک سال و نیمه، تنها چند تئاتر سفارشی فرصت اجرا یافتند: جشنواره‌های صحنه‌ی برای سردار شهید قاسم سلیمانی با تماشای سربازای محدود، و چند اجرای خیابانی به سفارش دادگستری، و تمام.

تنها اتفاق قابل ذکر، پرفورمنس «آینه در آینه» بود که با اشاره به همین بیماری خطرناک، چندین بار در خیابان‌ها و معابر شهر اجرا شد با هدف آگاهی‌رسانی به مردم و تجدید آبی‌ی احتیاط‌های معمول، که کاری شباهت و با ارزش بود از جوانان تئاتری. باقی فعالیت‌ها محدود شد به برخی اجراهای نیم‌بند در فضای مجازی و نمایشنامه‌خوانی‌های چند نفره و گفتگوهای پراکنده. باقی هنرها نیز، خورشیدخانه، حال و روز بهتری نداشتند. سیما به کلی تعطیل شد، مگر برای چند اجرای جشنواره‌ای انگشت‌شمار. کنسرت‌های موسیقی سراسر برچیده شد، و هنرمندان تجسمی نتوانستند مردم‌شهر را به‌هیمنامی آثارشان بخوانند.

برای، عداوت کردیم که در زمانه‌ی عسرت و سختی، همچنان باقره امید را در نگاهمان زنده نگاه داریم. شاید اگر و اکسیاسیون عمومی با واکنس‌های معتبر و موثر هگماتی شود، و حکومت و مردم همدلی و همکار باشند، ما نیز بتوانیم مثل مردم باقی کشورهای جهان، نفس را راحتی بکشیم و تلاش کنیم تا شاید همیشه آن چیزهایی را که یک‌شبه در قمار کرونا باختیم؛ اندک یا باقیمانیم. آن‌وقت شاید کم‌کم مایلان باید که هنر هم چیز بدی نیست و موجب وقاف ملی و افزایش آگاهی‌ها و مشارکت و همفکری است و نشانه‌ی توسعه و توانایی است. شاید بتوانیم بفهمیم که ایران، ایران است اگر صدای فرهنگش بلند باشد و هنرش آینه آزادی و عدالت و اراده‌ی مردم، شاید بدایم همه‌ی این سال‌هایی که مبارزه با دشمنان خارجی و مشکلات داخلی جلن گذاشتیم و خون دادیم و عرق ریخته‌ایم، برای پلنداشت فرهنگ و تاریخ و خرد و آسانستی یکی از امکانات به ایران می‌شناسیمش. آن‌وقت شاید دیگر لازم نباشد بیضایی‌ها را از کشور بیرون بیندازیم تا نرؤند در ممالک بیگانه سفرهی دلتنگی‌شان را بپهن کنند و پرچم ایران را فرو بربندند و دغدغه‌ی مالی هم نبفود و یاران سلیبار، هم‌راهش نیست. بزم‌شاید بیضمیم که هر یک دست‌کسالن سینمایی خصوصی به نامسین شوند. شاید خانه‌ی درحال مرمت زنده را بخانه‌ی هنرهای تجسمی و صباغ‌دستی کنیم، و خانه‌ی مرمت شده اما متروک مانده‌ی سعیدی را خانه‌ی موسیقی، شاید آموزشگاه‌های هنری دوباره رونقی به خود ببینند و خون هنر در رگ‌های خشک‌بیدی این جامعه جاری شود و به‌جان‌مان طرؤت ببخشد. شاید…